



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

عجب

شناسنامه مطلب	
t-238	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/رذائل و فضائل/رذائل/سطح شناخت	رده
تزکیه، تربیت نفس، رذائل، عجب، مراتب عجب، امام خمینی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

بدان که از برای عجب مراتبی است، که بعضی از آن مراتب واضح و روشن است که انسان به اندک تبه و التفات پی به آن می‌برد، و بعضی دیگر بغایت دقیق و باریک است که انسان تا تفتیش کامل نکند و مذاقه صحیح به عمل نیاورد ادراک آن نمی‌تواند کند، و نیز بعضی از مراتبش شدیدتر و سخت‌تر و مهلک‌تر از بعضی مراتب دیگر است.

مرتبه اولی، که از همه بالاتر و هلاکش بیشتر است، حالی است که در انسان به واسطه شدت عجب پیدا شود که در قلب خود بر ولی نعمت خود و مالک الملوك به ایمان یا خصال دیگرش منت گذارد. گمان کند که به واسطه ایمان او در مملکت حق وسعتی یا در دین خدا رونقی پیدا شد، یا به واسطه ترویج او از شریعت یا ارشاد و هدایت او یا امر به معروف و نهی از منکر او یا اجرای حدود یا محراب و منبرش به دین خدا رونقی بسزا داده، یا به واسطه آمدن در جماعت مسلمین یا به پا کردن تعزیه حضرت ابی عبد الله الحسین، علیه السلام، رونقی در دیانت حاصل شد که به سبب آن بر خدا و بر سید مظلومان و بر رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، منت دارد. هر چند اظهار این معنی نکند، در دلش منت می‌گذارد. و از همین باب است، منت گذاری بر بندگان خدا در امور دینی. مثل آنکه در دادن صدقات واجبه و مستحبه و در دستگیری از ضعفا و فقرا بر آنها منت گذاری کند. گاهی این منت گذاری مخفی است حتی بر خود انسان. (شرح منت نداشتن مردم بر خدا و منت داشتن ذات مقدس حق تعالی بر آنها در «حدیث دوم» گذشت.) مرتبه دیگر آن است که به واسطه شدت عجبی که در قلب است غنج و دلال کند بر حق تعالی. و این غیر از منت گذاری است، گر چه بعضی فرق نگذاشته‌اند.

صاحب این مقام خود را محبوب حق تعالی می‌پندارد و خود را در سلك مقربین و سابقین می‌شمارد، و اگر اسمی از اولیاء حق برده شود یا از محبوبین و محبین یا سالک مجذوب سخنی پیش آید، در قلب خود را از آنها می‌داند. ممکن است ریاء شکسته نفسی کرده و اظهار خلاف آن کند، یا برای اثبات آن مقام برای خود طوری نفی مقام از خود کند که ملازم اثبات باشد. و اگر خدای تعالی او را مبتلا کند به بلایی،

کوس البلاء للولاء^۱ زند. مدعیهای ارشاد از عرفا و متصوفه و اهل سلوک و ریاضت به این خطر نزدیکترند از سایر مردم.

درجه دیگر آن است که خود را از خدای تعالی به واسطه ایمان یا ملکات یا اعمال طلبکار بداند و مستحق ثواب شمارد، و لازم بداند بر خدا که او را در این عالم عزیز، و در آخرت صاحب مقامات کند، و خود را مؤمن صاف و پاک بداند و هر وقت اسمی از مؤمنین به غیب آید سرش را داخل سرها کند و در دلش اندیشد که خداوند اگر با عدل هم با من رفتار کند من مستحق ثواب و اجر! بلکه بعضی بر قباحت و وقاحت افزوده تصریح به این کلام باطل می‌کنند! و اگر برای او بلایی رخ دهد و برای او ناملایمی پیش آید، در دل اعتراض به خدا دارد و تعجب از کارهای خدای عادل که مؤمن پاک را مبتلا کند و منافق فاسق را مرزوق کند، و در باطن به حق تبارک و تعالی و به تقدیرات او غضبناک باشد و در ظاهر اظهار رضایت کند. غضب خود را به ولی نعمت خود تحویل دهد، و رضای به قضا را به مخلوق ارائه دهد. و وقتی بشنود مؤمنین را در این دنیا خداوند مبتلا می‌فرماید، به دل خود تسلیت می‌دهد. نمی‌داند منافق مبتلا هم بسیار است، نه هر مبتلا مؤمن است.

رتبه دیگر از عجب آن است که خود را از مردم دیگر ممتاز بداند و بهتر شمارد به اصل ایمان از غیر مؤمنین، و به کمال ایمان از مؤمنین، و به اوصاف نیکو از غیر متصفین، و به عمل به واجب و ترک محرم از مقابل آن، و به اتیان به مستحبات و مواظبت به جمعه و جماعات و مناسک دیگر و ترک مکروهات از عامه مردم خود را کاملتر دانسته و امتیاز برای خود قایل باشد، و اعتماد به خود و ایمان و اعمال خود کند و دیگر مخلوق را ناچیز و ناقص شمارد و به همه مردم به نظر خواری نگاه کند، و در دل یا زبان بندگان خدا را سرزنش و تعییر کند. هر کس را به طوری از درگاه رحمت حق دور کند و رحمت را خاص خود و یک دسته مثل خود قرار دهد. صاحب این مقام به جایی رسد که هر چه عمل صالح از مردم ببیند به آن مناقشه کند و در دل در آن به یک نحو خدشه کند، و اعمال خود را از آن خدشه و مناقشه پاک بداند.

۱ - «بلاها به سبب دوستی است.» این کلام برگرفته از احادیث است که بلاهای دنیا را دلیل ایمان شخص و محبت حق تعالی به او گفته است. چنانچه امام باقر (ع) می‌فرماید: یتلی المرء علی قدر حبه. (انسان به قدر دوستیش با خدا به بلا گرفتار می‌گردد) و امام صادق (ع) فرمود: و ما أحبّ الله قوما إلا ابتلاهم. (خداوند گروهی را دوست نگرفت مگر آنکه آنها را به بلایا گرفتار ساخت). بحار الانوار ج ۶۴، ص ۲۳۶، «کتاب ایمان و کفر»، «باب شدة ابتلا المؤمن».

اعمال حسنه مردم را چیزی نشمارد، و همان عمل اگر از خودش صادر شد بزرگ بداند. عیوب مردم را خوب ادراک کند و از عیب خود غافل باشد. این‌ها علامت عجب است، گرچه خود انسان از آن غافل است.

و از برای عجب درجات دیگری است که بعضی از آن را ذکر ننمودم و از بعضی دیگر ناچار غافلم.

امام خمینی (ره)، چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص: ۶۴

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور